



کاربرد نمایش خلاق در بروز توانایی های معلولین ذهنی

پدیدآورده (ها) : نادر نژاد، سمیه

هنر و معماری :: صحنه :: پاییز 1392 - شماره 94

از 89 تا 104

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1069639>

دانلود شده توسط : پژوهشکده حج و زیارت

تاریخ دانلود : 10/04/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

کاربرد نمایش خلاق
در بروز توانایی های معلولین ذهنی



سمیه نادر نژاد
Somayeh Nadernezhad

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



سمیه نادر نژاد

- کارشناس مترجمی زبان انگلیسی از دانشگاه پیام نور
- مربی نمایش خلاق



چکیده

در عرصه‌ی هنر، نمایش یکی از بهترین و مناسب‌ترین بسترها برای نشان دادن استعدادهای نهفته‌ی افراد کم‌توان ذهنی می‌باشد. نمایش خلاق، فرایندی برای رشد خلاقیت و به فعل درآوردن توانایی‌های بالقوه‌ی انسان و ابزاری موثر در تغییر نگرش جامعه نسبت به این قشر است. این گفتار سعی بر آن دارد که به بررسی کارکردهای نمایش خلاق در امر شناسایی و پرورش توانایی‌های افراد کم‌توان ذهنی بپردازد؛ تا با توجه به مزایا و نتایج آن، نمایش خلاق به عنوان امری فراگیر در امر آموزش افراد کم‌توان ذهنی به کار گرفته شود. از این رو در طی این گفتار اثرات و نتایج نمایش خلاق در امر آموزش گروهی از دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش پذیر، سنین ۱۹ تا ۲۹ ساله‌ی مرکز توانبخشی پویای شهرستان کرمان ارائه می‌گردد تا با بررسی آن‌ها مشخص شود که اجرای عام و فراگیر این طرح، چه پیامدها و تاثیرات مثبتی می‌تواند در آینده‌ی نه چندان دور آموزش کودکان کم‌توان ذهنی داشته باشد. این پژوهش از نوع نیمه تجربی است و تحقیقات به صورت میدانی انجام شده است.

کلیدواژگان: نمایش، نمایش خلاق، افراد کم‌توان ذهنی، خلاقیت، توان بخشی

مقدمه

«افرادی با ویژگی‌های جسمی و ذهنی خاص در اطراف ما زندگی می‌کنند که بر حسب ظاهر آن‌ها، در موردشان قضاوت می‌شود و رفتارهای مختلف اجتماعی در حق آن‌ها اعمال می‌شود. گاه آن‌ها را در آسایشگاه‌ها گذاشته و به حال خود رها می‌کنند. اما در این میان گروهی نیز آن‌ها را در میان خود پذیرفته و بر حسب شرایط خاص آن‌ها، رفتار خاصی در پی می‌گیرند. اما اکثر مردم تصور می‌کنند افراد کم‌هوش و عقب افتاده را به حال خود بگذاریم و کاری با آن‌ها نداشته باشیم. عده‌ی بی‌شماری در اثر بی‌اطلاعی تصور می‌کنند آن‌ها بیمار روانی هستند و یا این‌که آن‌ها را در خانه محبوس می‌نمایند. حبس و نگهداری این افراد در منزل به علت اینست که کودکان باهوش آن‌ها را مورد تمسخر قرار می‌دهند. از طرفی بعضی از اولیاء محترم شرم دارند که این افراد را در اجتماع ظاهر ببینند که در این صورت ظلم بزرگی نسبت به آن‌ها مرتکب می‌شوند. در مجموع هم و غم و تفکرات اولیاء در مورد این کودکان چنان است که چیزی نخواهند آموخت و اوقات خود را بیهوده صرف خواهند نمود.» (دلخوش‌نواز، ۱۳۶۹، ۵)

در خصوص شناساندن مهارت‌های نهفته این افراد اقداماتی هر چند اندک انجام پذیرفته است که البته آن‌ها نیز کافی به نظر نمی‌رسند و نمایش خلاق به عنوان یک ابزار نو که در ایران هنوز کاملاً ارزش و کارکرد آن به درستی شناخته نشده، می‌تواند راه و دریچه‌ای تازه به سوی کسانی که دغدغه‌ی شناساندن توانایی‌های این قشر را دارند به روی آن‌ها باز کند. بنابراین این پژوهش می‌تواند مقدمه‌ای برای انجام این نوع فعالیت‌ها باشد. بررسی‌های انجام شده گویای آن هستند که تاکنون تحت این عنوان، اثر، کتاب و مقاله‌ای مستقل ارائه نشده است. این مقاله می‌تواند تلاشی در خصوص ارتباط نمایش خلاق و نمایش توانمندی‌های افراد کم‌توان ذهنی باشد.

«علمای تعلیم و تربیت، با دید خاص آموزش و پرورش افراد عقب مانده ذهنی را معمولاً به چهار گروه به شرح زیر تفکیک می‌کنند.

الف) گروه افراد دیر آموز

ب) گروه افراد عقب مانده ذهنی آموزش پذیر

ج) گروه افراد عقب مانده ذهنی تربیت پذیر

د) گروه افراد عقب مانده حمایت پذیر یا کاملاً متکی» (افروز، ۱۳۷۰، ۶)

«با این نگرش حقیقت‌بینانه، که کودک عقب مانده ذهنی اول کودک است و بعد کودکی است با عقب ماندگی ذهنی، در واقع اهداف آموزش و پرورش کودکان عقب مانده ذهنی نمی‌تواند تفاوتی با هدف‌های کلی آموزش و پرورش عادی داشته باشد، زیرا که هدف عبارت است از شکوفایی حداکثر توانایی‌ها و استعدادها. تنها تفاوتی که اهداف تربیتی عقب مانده ذهنی با اهداف عمومی تعلیم و تربیتی دارد در مورد تأکید و اهمیت فوق‌العاده

حصول رابطه با کودکان عقب مانده ذهنی است.

اهم این هدف‌ها به شرح زیر است:

- ۱- رسیدن به خودآگاهی و شناخت خود
- ۲- رسیدن به شایستگی شغلی و کفایت اقتصادی
- ۳- سازگاری اجتماعی و برقرار نمودن روابط مفید و مؤثر با دیگران
- ۴- پذیرش مسئولیت اجتماعی» (همان، ص ۸۷-۸۸)

با توجه به موارد ذکر شده، یکی از ابزارهای نیل به این اهداف، نمایش خلاق می‌باشد. «هر چند خلاقیت جز جدا نشدنی هر هنری و از جمله هنر نمایش است، با این حال به نوعی نمایش فرایند محوره که به سود دست‌اندرکاران کار می‌شود و ربطی به اجرا برای تماشاگران ندارد، اصطلاحاً نمایش خلاق گفته می‌شود. این نمایش شیوه‌ای برای یادگیری و آموزش بر مبنای گرایش جهانی به بازی نمایشی است که در هر انسانی یافت می‌شود.» (ریچ، ۱۳۸۴، ۲۹)

نمایش خلاق

«نمایش خلاق ترکیبی از تئاتر و تعلیم و تربیت است. توانایی‌های بالقوه انسان را به فعل درمی‌آورد و تفکر در آن هم شهودی و هم منطقی است. در آزمایشگاه نمایش خلاق آدم‌ها بحران‌ها را می‌آزمایند، نگرش‌ها و توانایی‌های خود را محک می‌زنند، زندگی را در محیطی امن تمرین می‌کنند و به طور فی‌البداهه به آن عکس‌العمل نشان می‌دهند. با نمایش خلاق آدم‌ها رفتارهای خود را به اختیار می‌گیرند و مهارت‌های مهار نفس را تقویت می‌کنند. نمایش قدرت تغییر دارد و فرد در آن می‌تواند هویت، محل و غیره را تغییر دهد. جهانی نو بیافریند، در آن گام بگذارد، بخشی از آن باشد و در پایان آن را خراب کند.» (آقاعباسی، ۱۳۸۴، ۲۸)

به بیانی دیگر «نمایش خلاق ابزاری است که:

- همکاری می‌طلبید.
- افراد را وامی‌دارد که تجربه‌های خود را در یادگیری نوین به کار گیرند.
- آدم‌ها را وامی‌دارد که در آن واحد در دو دنیا زندگی کنند، بدون این‌که آن‌ها را به هم بی‌آمیزند.
- آدم‌ها را به درک مشترک می‌رساند.
- باعث دقت در ارتباط می‌شود.» (همان، ۳۱)

«نمایش خلاق فواید و اهداف گوناگونی دارد؛ شاید مهمترین فایده و هدف نمایش خلاق "پرورش خلاقیت" باشد. پرورش خلاقیتی که در ذهن همه‌ی انسان‌ها نهفته است.» (چمبرز، ۱۳۷۵، ۱۰۳) از این رو دیوید بوهم خلاقیت را "هنر ادراکی درونی ذهن" می‌داند

که در غیبت آن، اندیشه بلادرنگ در ورطه سردر گمی و پریشانی گم می‌شود. (بوهم، ۱۳۸۱، ۱۳۲)

«عصر اساسی خلاقیت پیش بینی و آینده نگری است. وقتی مشتاقانه امیدواریم آن چه را که دوست می‌داریم به واقعیت بپیوندد و تقریباً معتقدیم که به واقعیت خواهد پیوست، غالباً می‌توانیم خود را وادار کنیم که به آن واقعیت بخشیم.» (اسورن، ۱۳۷۵، ۲۴)

و اما «هدف‌های کلی نمایش خلاق عبارتند از: تقویت زبان و ارتباط، مهارت‌های حل مساله، اندیشه خلاق، ارزش‌ها و نگرش‌ها، مفهوم مثبتی از خویش، آگاهی اجتماعی، همدلی و مشارکت، شناخت هنر تئاتر» (آقاعباسی، ۱۳۸۴، ۳۶)

با نگرشی به اهداف عمومی تعلیم و تربیتی افراد کم توان ذهنی و اهداف نمایش خلاق، می‌توان نمایش خلاق را ابزاری مناسب در جهت تحقق اهداف تعلیم و تربیتی این افراد به حساب آورد.

بحث

۱. کارگاه نمایش خلاق - تجربه‌ی عملی

کارگاه نمایش خلاق فضایی است برای اجرای تمرین‌ها که در این پژوهش از فضای یکی از اتاق‌های مرکز توانبخشی پویا استفاده شده است. «فضای کارگاه باید جایی باشد که فرد در آن احساس راحتی و امنیت کند و با آرامش به انجام تمرینات بپردازد. سعی می‌شود فضایی انتخاب شود که کمتر موارد مخل تمرکز در آن جا وجود داشته باشد. همچنین، محل کارگاه باید اتاقی بزرگ و روشن باشد که تمام کلاس بتوانند به صورت دایره بایستند و با دست‌های گشاده به هر طرف دست‌های یکدیگر را بگیرند. هر کس باید بتواند به راحتی فضای شخصی (فضایی که هر کس بتواند در محلی که می‌ایستد به راحتی با دست‌های باز از چهار طرف بچرخد و به کسی برنخورد) را در اختیار داشته باشد.» (همان، ۷۷)

۱.۱ خوش‌آمدگویی و معرفی

در ابتدای کارگاه نمایش خلاق بعد از خوش‌آمدگویی، مربی از افراد کم‌توان می‌خواهد که خود را معرفی کنند. آن‌ها که در ابتدای کار با انرژی فراوان و شور و هیجان وارد کارگاه شده بودند، در هنگام معرفی سرها را پایین انداخته و با صدای ضعیفی نام خود را بیان می‌کردند و حتی بعضی تمایلی به بیان نام خود نداشتند. از ویژگی‌های این افراد گوشه‌گیری و سخت ارتباط برقرار کردن با دیگران است که در بدو ورود این امر به وضوح دیده می‌شد. از جلسه سوم به بعد با آشنایی بیشتر این مشکل حل شد و آن‌ها با رویی گشاده و صدایی بلند و رسا نام خود را می‌بردند. بعد از اتمام جلسات در مواقعی خارج از کلاس دیده می‌شد که بچه‌ها برای ارتباط برقرار کردن با دیگران پیش قدم می‌شوند و

افراد را تشویق به معارفه می‌کنند. به عنوان مثال، هنگامی که فرد جدیدی از موسسه‌ای دیگر به مرکز توان‌بخشی آمد، گروه با خوش‌رویی با او برخورد کردند و از او خواستند که خود را معرفی کند و به آن‌ها بپیوندد. این امر باعث شگفتی مربیان شد و نوید بخش نتایج خوبی بود.

۱.۲ تمرین‌های دست‌گرمی

این تمرین‌ها همیشه قبل از شروع دیگر تمرین‌ها انجام می‌شود تا افراد را از لحاظ جسمی و همچنین روحی و روانی آماده فعالیت کند.

«در این تمرین‌ها تأکید بر مفرح بودن و ایجاد حال و هوای مناسب برای احساس امنیت روانی است. این تمرین‌ها باعث آسودگی عصبی گروه، ایجاد حال خوش و تقویت حس پیوستگی گروهی می‌شوند و اغلب در یک تلاش همگانی گروه را با هم یک‌پارچه می‌کنند. تمرین‌های حرکتی (گرم کردن بدن: انواع راه رفتن، راه رفتن حیوانات، انواع دویدن، حرکت آهسته و ...) بازی‌های انگشتی، شعرهای حرکتی، بازی‌های حرکتی و داستان‌های حرکتی از جمله این تمرین‌ها هستند.» (همان، ۸۱)

«هماهنگی حرکتی در افراد عقب‌مانده ذهنی ناقص است.

* این دانش‌آموزان در تمرکز حواس و توجه لازم به یک موضوع دچار اشکال هستند.» (افروز، ۱۳۷۰، ۹۵)

در تمرین‌های دست‌گرمی که با افراد کم‌توان ذهنی انجام شد، بعضی از آن‌ها به دلیل داشتن بدنی خشک که به علت کم‌حرکی ایجاد شده بود، کم‌تر با گروه همکاری می‌کردند. در جلسات اول به دلیل نبود تمرکز و شیطنت‌های عده‌ای از آن‌ها، تمرین‌ها به طور کامل انجام نمی‌شد. کمبود تمرکز بزرگ‌ترین مانع در انجام تمرین‌ها به شمار می‌آید که متأسفانه بزرگ‌ترین مشکل این گروه بود. تقریباً در همه‌ی تمرین‌ها، نبود تمرکز باعث اختلال در روند کار می‌شد. به همین علت بیشترین تأکید مربیان بر تمرین‌ها و بازی‌های تمرکزی مانند بازی آینه‌ها بود که در آن یکی آینه‌ی دیگری می‌شود و با تمرکز بر حرکات شخص مقابل حرکات را عیناً تکرار می‌کند.

روند هماهنگی حرکتی گروه در طول جلسات بهتر و بهتر می‌شد و پیشرفت آن‌ها در هر جلسه به حدی چشم‌گیر بود که در جلسات پایانی مربی از افراد داوطلب می‌خواست که به جای او آن‌ها را تمرین دهند. تمرین‌های بیان و گفتاری بخشی دیگر از تمرین‌های دست‌گرمی می‌باشد که بر طرز بیان افراد تأکید دارد و آن را ارتقاء می‌بخشد. با توجه به این که «یکی از جدی‌ترین و آشکارترین ویژگی‌های افراد عقب‌مانده ذهنی تأخیر در تحول زبان و گفتار است و کلی‌ترین مشکل زبان، اختلال تلفظ، اختلال صوت و لکنت زبان است؛» (شریفی درآمدی، ۱۳۸۱، ۱۷) تمرین‌های تقویت بیان از اهمیت خاصی در طول

دوره برخوردار می‌باشد.

اکثر افراد توان بخشی هم در تمرین‌های گفتاری با مشکل روبه‌رو بودند، ولی بیشترین تلاش خود را در جهت درست ادا کردن کلمات و حروف به کار می‌بردند. یکی از نکات جالب توجه این بود که به دلیل درک پایین آن‌ها از بعضی مسائل و مفاهیم، هنگامی که معانی کلمات ادا شده به بیانی ساده و قابل فهم برای آن‌ها توضیح داده می‌شد، آن‌ها در بیان کردن کلمات پیشرفت بیشتری داشتند. در جلسات پایانی، گروه که بیشتر اختلالات تلفظی داشتند کلمات را با حوصله بیشتر ودقت در به کار گیری لحن مناسب ادا می‌کردند.

۱.۳ تمرین‌هایی برای دیدن، شنیدن و لمس کردن

در تمرین‌های دیدن، مشاهده‌ی محیط و اشیاء متفاوت و در کل خوب و دقیق دیدن با آن‌ها کار می‌شد. در تمرین‌های شنیدن، افراد به دقیق گوش کردن صداهای محیط و توصیف شنیده‌ها تشویق می‌شدند. تمرین‌های لمس کردن هم جهت تقویت حس لامسه آن‌ها کار می‌شد که افراد به لمس اشیاء اطراف خود و هر آن‌چه که در اختیارشان قرار می‌گرفت می‌پرداختند. در هر سه تمرین افراد به تمرکز بالا نیاز داشتند و نشان دادن عکس‌العمل و توصیف موقعیت‌ها با جزئی‌ترین شکل از اهداف این تمرین بود.

«باید توجه داشت که افراد عقب مانده ذهنی معمولاً در پاسخ به محرکات محیطی، رفتار یا حالت عادی ندارند. به عبارتی دیگر در مقابل مسئله یا محرک بیش از حد معمول عکس‌العمل نشان داده و یا حداقل عکس‌العمل را از خود بروز می‌دانند.» (افروز، ۱۳۷۰، ۹۶)

بنابراین، وقتی که از افراد خواسته شد که توصیفات خود را از دیده‌ها و شنیده‌های خود بازگو کنند، تعدادی از آن‌ها قادر به بیان گفته‌های خود نبودند و تعدادی دیگر هم تنها به توصیف کلیات و نه جزئیات می‌پرداختند. با تأکید مربی بر دقیق دیدن و شنیدن و تمرین فراوان در این مورد بچه‌ها به مراحل خوبی رسیدند، تا جایی که گاهی اوقات آن‌ها به مواردی در این تمرین‌ها اشاره می‌کردند که شاید مربی زیاد بر آن‌ها متمرکز نمی‌شد.

۱.۴ پانتومیم

بخشی از تمرین‌های کارگاه، اجرای پانتومیم است که بازی بدون کلام و با استفاده از بیان جسمانی است. «پانتومیم را می‌توان با اعمال ساده‌ی انفرادی، خلق تصویر با بدن و پانتومیم‌روایی یعنی روایت داستان با بازی و بدون استفاده از کلام به کار گرفت.» (آقاعباسی، ۱۳۸۴، ۱۰۱)

«با توجه به این که افراد عقب‌مانده ذهنی در بیان روشن و واضح فکر و اندیشه خود به دیگران دچار مشکل هستند.» (همان، ۹۸) و همچنین علم به این امر که «اکثر این افراد

دارای ناتوانی‌های یادگیری می‌باشند و ضعف آن‌ها بیشتر در فکر کردن، گوش دادن و صحبت کردن، خواندن، نوشتن، محاسبه و تا اندازه‌ای در اجرا و انجام دادن کارهاست؛» (زکایی، ۱۳۸۷، ۱۰۰-۱۱۲) بازی پانتومیم می‌تواند تا حدی آن‌ها را در بهبود ناتوانی‌های خود یاری کند.

در تمرین‌های پانتومیم که با گروه یاد شده انجام شد، تأکید ویژه مربی در بکارگیری تخیل و استفاده ابزاری از بدن بود که آن‌ها به دلیل داشتن بدنی خشک و همچنین محدود بودن ذهن‌شان در مسائل بسیار ساده و پیش پا افتاده، کمتر به نتایج مطلوبی می‌رسیدند. در جلسات اول مربی نسبت به دیگر تمرین‌ها تا حد زیادی به افراد در خلق فضاها کمک می‌کرد. نکته‌ی مهمی که در مورد آن‌ها زیاد به چشم می‌خورد، تقلید فراوان از یکدیگر بود. همیشه دو سه نفر از افراد خلاق تر و کارآمدتر از بقیه بودند که دیگران رفتار آن‌ها را تکرار می‌کردند و عیناً همان کار را انجام می‌دادند. یکی دیگر از موارد مشهود، مشکل افراد در نشان دادن اندازه‌ها بود. از آن‌جا که در پانتومیم مفاهیم با استفاده از بدن منتقل می‌شوند، تعدادی از افراد در نشان دادن این مفاهیم دچار اشکال بودند. مثلاً زمانی که از آن‌ها خواسته شد که سوزن و یا لیوانی در دست خود بگیرند، در نشان دادن اندازه‌ی حجم آن ناتوان بودند. این مشکل شاید به پایه آموزشی آن‌ها برمی‌گشت و با تمرین قابل حل بود. تمرین‌های پانتومیم در رشد خلاقیت مددجویان تأثیر فوق‌العاده‌ای داشت. تمرین‌های پانتومیم آن‌ها را با فضاهای جدید و موقعیت‌هایی که تا به حال برای‌شان پیش نیامده بود آشنا و آن‌ها را وادار به نشان دادن عکس‌العمل‌های متفاوتی می‌کرد. در جلسات پایانی آن‌ها با بکارگیری خلاقیت خود مفاهیم را بهتر انتقال می‌دادند و بر اثر تکرار تمرین‌ها همیشه برای روبه‌رو شدن با موقعیت‌های متفاوت آماده بودند.

۱.۵. تصور هدایت شده

«این روش شبیه پانتومیم روایی است، اما همزمان هم ساده‌تر و هم پیچیده‌تر از آن است. همچنین وجوه مشترک زیادی با فنون تمرکز و رهایی عضلات دارد. در تصور هدایت شده بچه‌ها معمولاً حرکت نمی‌کنند. آن‌ها آرام و بطور معمول با چشم بسته می‌نشینند و داستانی را در سطحی عمیق و حسی تجربه می‌کنند، سعی هم نمی‌کنند که آن را به هیچ نحوی بازی کنند.» (آقاعباسی، ۱۳۸۴، ۱۲۲) «به گفته‌ی محققین این افراد معمولاً به هنگام توجه به یک موضوع یا مسأله‌ای، با کوچک‌ترین اتفاق یا جریانی که در اطراف آن‌ها رخ می‌دهد، حواس‌شان پرت می‌شود.» (افروز، ۱۳۷۰، ۹۵) و «بزرگ‌ترین و مهم‌ترین جنبه‌ی نقص هوشی افراد عقب‌مانده ذهنی، نقص بنیادی در کنش حافظه است. مشکلات حافظه افراد عقب‌مانده ذهنی به چند عامل مهم تقسیم می‌شود. یکی از مشکلات این گروه از افراد این است که روی محرک‌های مناسب در موقعیت یادگیری مشکل دارند. اغلب

به جنبه‌های نامناسب و اشتباه محرک توجه می‌کنند.» (شریفی در آمدی، ۱۳۸۱، ۱۱۴) تمرین‌های این بخش به تمرکز بالا برای تصویر کردن داستان روایت شده و همچنین حافظه‌ای قوی در جهت به‌خاطر سپردن اتفاقات روی داده نیاز دارد. در جلسات ابتدایی که این تمرین‌ها انجام می‌شد تعدادی از افراد بعد از تمرین از گفتن آن چه که برای‌شان اتفاق افتاده بود، طفره می‌رفتند و با فراموشی را بهانه می‌کردند. علت آن تمرکز پایین آن‌ها بود که حتی با این که چشمشان را هم می‌بستند ولی باز هم نمی‌توانستند حواس‌شان را یک‌جا جمع کنند و تصور کردن اتفاقی خیالی برای آن‌ها مشکل بود. با تمرین‌های تمرکزی که با آن‌ها کار شد در جلسات بعدی گروه به حدی در فضای کار غرق می‌شد که حتی با چشمان بسته هم گاهی پانتومیم تصویر را بازی می‌کردند و با دست خود موقعیت‌ها را تصویر می‌کردند و با اجزای صورت‌شان عکس‌العمل‌ها را نشان می‌دادند. بعد از تمام شدن تمرین در هنگام توصیف کار به جزئیات ریزی اشاره می‌کردند که نشان از پیشرفت تمرکز آن‌ها بود.

۱.۶ بداهه‌سازی

«بداهه‌سازی یعنی بازی از پیش طراحی نشده و دلیل استفاده از آن پرورش توانایی انسان در روبه‌رو شدن با موقعیت‌های پیش‌بینی نشده و واکنش مناسب در برابر آن‌هاست. این که انسان در هر موقعیتی بر خود مسلط باشد و در هر تنگنایی بتواند با تمرکز و تسلط راه برون رفت از دشواری را پیدا کند.» (آقاعباسی، ۱۳۸۴، ۱۳۲) «بداهه‌سازی، قابلیت انعطاف، بیان بهتر، حساسیت و توان ارتباطی را تقویت می‌کند.» (جونز، ۱۳۸۳، ۸۲) «افراد عقب‌مانده ذهنی عمدتاً در مقابل مشکلات، نارسایی‌ها و ناکامی‌ها بسیار کم ظرفیت هستند و تحمل سختی‌ها و شکست‌ها را ندارند.» (افروز، ۱۳۷۰، ۹۷) بدین منظور تمرین‌های بداهه‌سازی در جهت آشنایی آن‌ها با موقعیت‌های پیش‌بینی نشده و همچنین آماده‌سازی برای نشان دادن عکس‌العمل مناسب به این موقعیت‌ها به کار گرفته شد.

بداهه‌سازی جزو تمرین‌هایی بود که بسته به موقعیتی که به گروه داده می‌شد، با آن ارتباط برقرار می‌کردند. در موقعیت‌هایی که برای‌شان ملموس بود و قبلاً آن را تجربه کرده بودند به راحتی با آن ارتباط برقرار می‌کردند و به بهترین نحو از پس نقش خود بر می‌آمدند. به طور مثال وقتی که فضای یک مهد کودک برای بازی به آن‌ها پیشنهاد شد، تا حد زیادی در بازی‌های خود موفق بودند و در خلق موقعیت‌ها فوق‌العاده عمل می‌کردند. این امر شاید به دلیل نزدیک بودن فضای کار به زندگی واقعی آن‌ها بود. اما در موقعیت‌های تجربه نشده و جدید به سختی تمرین را انجام می‌دادند و از انجام دادن آن سر باز می‌زدند. مثلاً وقتی که موقعیت دزدی از یک خانه به آن‌ها داده شد، فقط می‌ایستادند و نگاه می‌کردند و می‌پرسیدند که چه کاری باید انجام دهند. آن‌ها کمتر در خلق موقعیت‌های

جدید همکاری می‌کردند. بعضی از آن‌ها قبل از نشان دادن بازی خود به بیان آن چه که می‌خواستند انجام دهند می‌پرداختند. این مورد هم با تمرین و شناخت خود و رشد خلاقیت‌شان بهبود پیدا کرد و نتایج خوبی داشت.

۱.۷ بازی نقش

«بچه‌ها از سن هشت سالگی به بالا توانایی بازی نقش را پیدا می‌کنند. این بازی نقش در جمع همسالان و در خود کارگاه به کار گرفته می‌شود. در بعضی از کارگاه‌ها، بچه‌ها نقش‌هایی را انتخاب و در نقش‌ها با یکدیگر کار می‌کنند. گرچه تأکید نمایش خلاق بر اجرا نیست، اما حاصل این کارها را اجرا هم می‌توان کرد.» (آقاعباسی، ۱۳۸۴، ۷۶)

«بازی نقش از ابزارهای نمایشی استفاده می‌کند، مثلاً از روش کنارگویی که بازیگر چیزی را به تماشاگر بگوید و بازیگر دیگر وانمود کند که آن را نمی‌شنود و با آن می‌توانیم چیزی را که فکر می‌کنیم ولی نمی‌توانیم بگوییم، نشان دهیم. ابزار دیگر، نقش معکوس است که بازیگران نقش‌ها را طوری عوض می‌کنند که بتوانند از دیدگاه دیگری بر آن تأکید بگذارند، حتی اگر با آن دیدگاه موافق نباشند. صحبت درباره‌ی بخش‌های مختلف هر نقش به افراد کمک می‌کند که از دوگانگی‌های خود آگاه شوند. این فنون مربوط به «نمایش اجتماعی»، ابراز وجود را تسهیل می‌کند و همراه با تأمل به تعمیق شناخت، هم در بازیگران و هم در تماشاگران می‌انجامد.» (سایت کریتو داراما)

بازی نقش، تمرینی بود که در جلسات پایانی با گروه کار شد. وقتی که بچه‌ها از پس تمرین‌های ابتدایی تا حدی زیادی بر آمدند، به آن‌ها نقشی سپرده شد و خود را در قالب آن نقش نشان دادند. این بچه‌ها به دلیل علاقه‌ی زیاد به بازیگری از این تمرین استقبال خوبی کردند و با علاقه‌ی فراوان به آن پرداختند. توضیح این‌که افراد به علت درک و فهم پایین از بعضی مسائل و معانی در نشان دادن ریزه‌کاری‌های بازی و انتقال آن به تماشاچی کمی ضعیف نشان می‌دادند و عموماً به امور کلی می‌پرداختند. عده‌ای باز هم خجالت را بهانه می‌کردند و از بازی سر باز می‌زدند. تعدادی به خاطر نبود تمرکز کافی از عهده کار برنیامدند و بالعکس تعدادی چنان در نقش خود فرو می‌رفتند که حتی بعد از اتمام کار هم به بازی خود ادامه می‌دادند. بازی نقش به بچه‌ها کمک می‌کرد تا با شخصیت‌ها، موقعیت‌ها، مفاهیم و راهکارهای جدید آشنا شوند و این امر در زندگی اجتماعی و سازگاری‌های این افراد با محیط‌های مختلف تا حد زیادی کمک می‌کند. همچنین حس مسئولیت‌پذیری در آن‌ها تقویت می‌شود و به آن‌ها در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی کمک می‌کند.

۱.۸ بحث‌های گروهی

«در این بخش از تمرین‌ها، به صحبت پیرامون تمرین‌ها، هدف از انجام آن‌ها،

نظرخواهی در مورد بازی‌ها و کار با دیگران، آشنایی با هنر نمایش و ابزارهای آن در طول کلاس پرداخته می‌شود.» (آقاباسی، ۱۳۸۴، ۷۷)

در این تمرین بچه‌ها یاد می‌گیرند که چگونه در بحث‌های گروهی شرکت کنند و نظر خود را بدهند. اعتماد به نفس آن‌ها بالا می‌رود و در فن بیان به آن‌ها کمک شایانی می‌شود. در این گونه بحث‌ها همیشه تعداد محدودی از بچه‌ها فعال تر عمل می‌کردند و بقیه فقط شنونده خوبی هستند.

۱.۹ نگارش خلاق

نگارش خلاق، قسمتی دیگر از تمرین‌های نمایش خلاق می‌باشد که آن‌ها را با عنوان داستان‌نویسی و نمایش‌نامه‌نویسی آشنا می‌کند که به علت محدودیت این بچه‌ها در خواندن و نوشتن در پژوهش ما به کار گرفته نشد.

۲. اجرای تئاتر

«یکی از رویکردهای نمایش خلاق استفاده از آن برای تئاتر است. رکن اصلی تئاتر، توانمندی بازیگر در اجرای نقش خویش است، بی‌شک ابزارهای مهم اجرای خوب بازیگر، صدا، خلاقیت ذهنی و حرکات بدنی متنوع هستند. به تئاتر معلولین از دو منظر می‌توان نگرینست. نخست این که آیا داشتن شرایط فیزیکی مناسب، شرط لازم در اجرای نقش است؛ در حالی که ۴ تا ۱۰ درصد جامعه را معلولین تشکیل می‌دهند؟ آیا حذف آنان از حضور در عرصه‌های علمی و صحنه‌های نمایش، تداوم همان نگاه غلطی نیست که آن‌ها را به انزوا می‌کشاند و اگر جامعه را با همه‌ی گروه‌های پذیرفته‌ایم نباید به معلولین نیز اجازه دهیم تا در عرصه‌ی تئاتر جایگاه مناسب خویش را بیابند؟ نگاه دوم بحثی علمی است که امروزه در توانبخشی معلولین مطرح است؛ تئاتر درمانی. یعنی روشی برای رسیدن به اهدافی چون: ایجاد خلاقیت ذهنی، تحرک بدنی قالب مناسب بروز احساسات، برطرف شدن تنش‌های روحی، استفاده از قوای باقیمانده بدنی و افزایش توانایی آن و ... است.» (سایت همشهری آنلاین)

امروزه تئاتر درمانی به عنوان شیوه‌ای موثر و روشی جدید در توان‌بخشی و درمان افراد دچار عارضه‌های روحی و روانی مورد توجه کارشناسان و فعالان حوزه علوم توان‌بخشی و هنرهای نمایشی (تئاتر) قرار گرفته است. به طوری که در حال حاضر این شیوه‌ی درمانی در بسیاری از کشورها به خصوص کشورهای اروپایی و آمریکایی و کشورهای اسکاندیناوی به عنوان روشی مؤثر در درمان افراد نیازمند مورد توجه است.

ایفای نقش در صحنه باعث به‌وجود آمدن حس خودباوری در این گروه می‌شود تا حدی که برخی از آن‌ها پیش از انجام فعالیت‌های هنری، توانایی انجام فعالیت‌های معمول

زندگی را نداشتند و به این وسیله توانستند پس از ورود به تئاتر به ایفای نقش‌های منطبق با شرایط فعلی زندگی خودشان بپردازند. اگر نیاز یک کودک استثنایی را ایجاد هماهنگی و تعادل بیشتر در زندگی شخصی و همچنین راهیابی و اتخاذ نقش‌های پررنگ‌تر اجتماعی بدانیم، رفتار معطوف به این هدف می‌تواند توسط نقشی که در نمایش می‌پذیرد تقویت شده و اگر این روش موفقیت‌آمیز باشد، می‌تواند زمینه‌ساز ارضای انگیزه‌های دیگر فرد شود. بر این اساس خود خلاق افراد کم‌توان ذهنی نمایان و باعث خشنودی آن‌ها شده و به حل چالش‌های دیگر زندگی‌شان بسیار کمک می‌کند و حتی اگر آن‌ها استعداد کافی در زمینه‌های مختلف هنری نداشته باشند، احساس خشنودی که در بکارگیری آن‌ها برای یک هنر خاص ایجاد می‌شود، سکوی پرشی است که آن‌ها را به این باور که می‌توانند استعداد‌های بالقوه‌شان را در سطوح زندگی به کار گیرند، می‌رساند. به‌واسطه هنر تئاتر و ایفای نقش می‌توان این کودکان را به زندگی واقعی‌تر و همراه با مشارکت بیشتر نزدیک کرد.» (یوسفی، ۱۳۹۰، ۲۲)

«همچنین، تجربه‌های نمایشی می‌توانند رشد شخصیت را در جوان آشفته تقویت کنند. نقش‌گذاری و تمرینات تکنیکی منظم می‌توانند در تشخیص "خود" و ارتباط با دیگران، کمک‌های ارزشمندی را ارائه کنند.» (جونز، ۱۳۸۳، ۱۱۲)

به همین منظور بعد از دوره‌ای که افراد کم‌توان مذکور طی کردند، با توجه به علاقه‌ی وافر آن‌ها به بازیگری و با در نظر گرفتن سطح هوشی افراد و همچنین صلاح‌دید مربیان و مسئول توان‌بخشی، به این نتیجه رسیدند که طرح ساده‌ای از یک متن را انتخاب و شروع به کار با افراد کنند. جلسات متعددی از کار به اتود زدن و تعیین شخصیت‌ها گذشت. در طول کار، یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های اجرای صحنه که ارتباط با خود و هر آن‌چه که در صحنه است را در خود تقویت کردند. این امر به زندگی اجتماعی آن‌ها و ارتباط با جامعه کمک شایانی می‌کند. این افراد که در برقراری ارتباط همیشه مشکل داشتند، با تمرینات نمایش خلاق و تئاتر تا حد زیادی موانع را از سر راه برداشتند و با گوشه‌گیری و انزوا کنار آمدند. آن‌ها در تمرینات مشارکت و همدلی را که عنصر اساسی کار گروهی می‌باشد ارتقا بخشیدند و با اعتماد به یکدیگر در پرورش خلاقیت‌ها یاری رساندند. سکون و کم‌حرکی که از مشخصات این افراد می‌باشد با انجام تمرین‌های تئاتر به شور و هیجان و تحرک بدنی بالا بدل شد و آن‌ها را از تنش‌های روحی و جسمی رهایی بخشید. همچنین اموری که تا آن زمان برایشان سخت می‌نمود و از انجام آن سر باز می‌زدند با تمرین‌های نمایشی آسان‌تر جلوه نمود و به شکل غیر قابل باوری توانایی‌هایشان را با اجرای امور بروز دادند. شور و اشتیاق بچه‌ها به بازیگری و اصرار آن‌ها برای اجرا، توان گروه را دو چندان کرد و با مشکلات فراوانی که در حین تمرین‌ها بوجود آمد به‌علاوه مشکلات اجرایی کار و ناهماهنگی‌های مسئولین بالاخره با کمک کانون یاریگران دانشگاه شهید باهنر کرمان

اجرای یک شب برای گروه محیا شد. توانایی‌های گروه بعد از یک سال و نیم تمرین‌های نمایش خلاق و تمرین‌های تئاتر به نمایش گذاشته شد و کمتر کسی از تماشاچیان به معلول بودن بچه‌ها شک برده بود.

پیشنهاد

در پایان با توجه به تجربه‌ی کسب شده با افراد کم‌توان ذهنی مذکور و در جهت تکمیل اقدامات صورت گرفته و فراهم نمودن بسترهای مناسب برای فعالیت‌های موثر بعدی نظیر این اقدام، پیشنهادهای ارائه می‌گردد که مساعدت، یاری و همکاری مسئولان دلسوز بهزیستی و اقشار مختلف جامعه را می‌طلبد:

- ۱- لزوم فرهنگ سازی صحیح در خصوص اصلاح رفتار عمومی با قشر معلول
- ۲- ایجاد هماهنگی و همبستگی بیشتر و بهتر مسئولین بهزیستی با نهادهای تربیتی قشر معلول
- ۳- در نظر گرفتن فضاهای مناسب جهت انجام بهتر و بیشتر تمرین‌های خلاقانه در راستای نمایش توانمندی‌های معلولین
- ۴- اعتماد به حداقل توانمندی‌های معلولین به خصوص قشر کم‌توان ذهنی و یاری‌یارگران آن‌ها در جهت ایجاد رابطه‌ای بهتر و مناسب‌تر با جامعه

نتیجه‌گیری

پس از اقدامات انجام شده در پژوهش فوق نتایج قابل قبولی به دست آمد که امید است در آینده در مسیر تعلیم و تربیتی افراد کم‌توان ذهنی به کار گرفته شود و راه را برای مسئولین و مددجویان هموار گرداند. با به کارگیری نمایش خلاق، افراد کم‌توان ذهنی که در قبل از گذران دوره، با بسیاری از مشکلات ارتباطی و اجتماعی درگیر بودند؛ راهی تازه برای برداشتن این موانع پیدا کردند و تا حد زیادی از پس این گونه مشکلات برآمدند. آن‌ها همچنین در شناخت خود و دیگران و طریقه‌ی سازگاری با افراد از اقشار مختلف از دیگر هموعان خود پیشی گرفتند. افراد کم‌توان همیشه به دلیل نگاه خاصی که نسبت به آن‌ها می‌شد، کمتر مورد توجه قرار می‌گرفتند و مسئولیت امور به آن‌ها سپرده نمی‌شد. با نمایش خلاق اعتماد به این افراد افزایش یافت و حس مسئولیت‌پذیری در آن‌ها تقویت شد و توانایی‌هایی که شاید کمتر کسی به آن‌ها پی برده بود، با انجام امور آشکار گردید. و در پایان، می‌توان نمایش خلاق را راهی به مراتب برتر از دیگر راه‌ها دانست تا استعدادهای نهفته‌ی افراد کم‌توان ذهنی بر چشم همگان آشکار شود و دید آن‌ها را نسبت به این افراد تغییر دهد.

منابع

۱. اسپورن، الکس اس، (۱۳۷۵)، **پرورش استعداد‌های همگانی ابداع و خلاقیت**، ترجمه‌ی دکتر حسن قاسم زاده، تهران: انتشارات نیلوفر، چاپ اول
۲. افروز، غلام علی، (۱۳۷۵)، **کودکان عقب مانده ذهنی**، تهران: موسسه‌ی انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
۳. آقاعباسی، یداله، (۱۳۸۵)، **نمایش خلاق**، تهران: نشر قطره، چاپ اول
۴. بوهم، دیوید، (۱۳۸۱) **درباره‌ی خلاقیت**، ترجمه‌ی محمد علی حسن نژاد، تهران: نشر ساقی، چاپ اول
۵. جونز، فیل، (۱۳۸۳)، **تئاتر درمانی و نمایش زندگی**، ترجمه‌ی چیستا یثربی، تهران: نشر قطره، چاپ اول
۶. چمبرز، دیویی، (۱۳۷۵)، **قصه‌گویی و نمایش خلاق**، ترجمه‌ی ثریا فزل ایاغ، تهران: مرکز نشر دانشگاه، چاپ اول
۷. دلخوش‌نواز، هاشم، (۱۳۶۹)، **روانشناسی آموزش و پرورش کودکان عقب‌مانده ذهنی**، تهران: چاپ مروی، چاپ اول
۸. ریچ، پاملا، (۱۳۷۸)، **اصول بنیادین نمایش خلاق**، ترجمه‌ی یداله آقاعباسی، مجله روزبه، پیش شماره اول، کرمان
۹. زکایی، م و نبوی، م، (۱۳۷۸)، **کلیات تربیت بدنی در مدارس**، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول
۱۰. شریفی درآمدی، پرویز، (۱۳۸۱)، **روانشناسی کودکان استثنایی**، تهران: چاپ بهارستان، چاپ اول
۱۱. یوسفی، احمد، (شهریور ۱۳۹۰)، **فعالیت هنری زمینه ساز نقش پر رنگ تر اجتماعی کودکان استثنایی**، مجله‌ی پیک توانا، شماره ۳۵، تهران

12. <http://www.creativedrama.com>

13. <http://www.hamshahrionline.ir>

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

